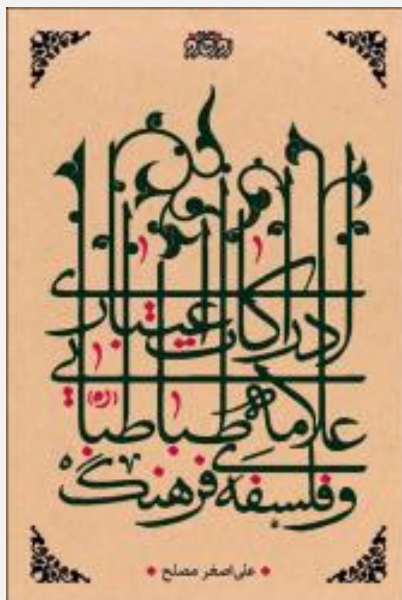




نظریه ادراکات اعتباری نشاندهنده دغدغه‌های پنهان علامه

دکتر علی اصغر مصباح در کتاب «ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره) و فلسفه فرهنگ» به تشریح نظریه خود پیرامون نقش نظریه‌ی ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره) در گفت‌وگوی عالم اسلامی با فرهنگ غربی پرداخته است.

کتاب «ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره) و فلسفه فرهنگ» منتشر می‌شود/ نظریه ادراکات اعتباری نشاندهنده دغدغه‌های پنهان علامه

دکتر علی اصغر مصباح در کتاب «ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره) و فلسفه فرهنگ» به تشریح نظریه خود پیرامون نقش نظریه‌ی ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره) در گفت‌وگوی عالم اسلامی با فرهنگ غربی پرداخته است.

به گزارش خبرگزاری مهر، کتاب «ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره) و فلسفه فرهنگ» از دو جهت قابل توجه است: از یک سو به موضوع «فلسفه فرهنگ» می‌پردازد که موضوعی نسبتاً بدیع - حداقل برای فضای اندیشه‌ای ایران- است که همزمان با افزایش اهمیت این بحث ذیل مباحث «فلسفه‌های میان فرهنگی» به تدریج در ایران نیز در حال طرح شدن است.

مؤلف این کتاب از آنجا که در تلاش است تا ظرفیت‌های ادراکات اعتباری علامه را برای تفکر در باب فرهنگ نشان دهد، ناگزیر در بطن مباحث خود، به چیستی و چگونگی «فلسفه فرهنگ» نیز اشاراتی دارد. از سوی دیگر مؤلف به تفصیل و با اشاره به مقالات مختلف علامه، به یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین مباحث معاصر در فلسفه‌ی اسلامی یعنی «ادراکات اعتباری» می‌پردازد.

به‌زعم مؤلف توجه به ادراکات اعتباری علامه طباطبایی تاکنون بیشتر معرفت‌شناسانه بوده و به ظرفیت‌های عمیق این بحث برای فهم عالم مدرن و معاصر و درک ژرف‌تر مناسبات حاکم بر آن، توجه چندانی نشده است. فلسفه اسلامی در تاریخ خود بیش‌تر در پی ادراکات حقیقی بوده و هست و لذا تنها بر اساس داشته‌های فرهنگی خویش می‌اندیشد و هنوز تکثر برایش اهمیت پیدا نکرده است؛ ولی علامه طباطبایی با عطف‌نظر به ادراکات اعتباری راه توجه و گفت‌وگو با دیگر اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها را گشوده است.

در مقدمه این کتاب آمده است: «تلاش علامه طباطبایی ره در بحث ادراکات اعتباری، بهترین کوشش برای گستردن مبانی فلسفه‌ی اسلامی به منظور فهم عالم مدرن و معاصر و درک ژرف‌تر مناسبات حاکم بر آن است، حتی قرار گرفتن بحث در ادامه‌ی بحث پیدایش کثرت در ادراکات، حکایت از مواجهه آن متفکر با یکی از بزرگ‌ترین مسائل دوره‌ی مدرن، یعنی درک اسباب تکثر در فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای غالب در تاریخ و عالم انسانی دارد.»

فهرست کتاب

پیش‌گفتار

درآمد

تاریخ تفکر فلسفی درباره فرهنگ و تمدن

زمینه‌های تاریخی برای تفکر درباره فرهنگ

انسان از کجا آغاز می‌شود؟

بازخوانی نظریه علامه طباطبایی از وجهی دیگر

جای بحث ادراکات اعتباری در آثار علامه و نحوه طرح آن

ادراکات فطری

سیری تفصیلی در مقاله‌های پنجم و ششم

دو قسم اعتباریات

نظریه ادراکات اعتباری در رساله ولایت

تقریر دیگری از بحث اعتباریات

جمع‌بندی و تحلیل نظر علامه

گفت‌وگویی با علامه طباطبایی
برخی نتایج و لوازم نظریه ادراکات اعتباری
مقایسه دیدگاه‌های استاد و شاگرد
مطهری و نقدی بر انتقادات ایشان
روایت و نقدی دیگر
داوری اردکانی و بحث اعتباریات علامه طباطبایی
سابقه طرح نظریات شبیه اعتباریات در غرب
بحثی در باب احکام کلی و متافیزیکی درباره طبیعت و انسان
سخن آخر
پیشگفتار

«فلسفه فرهنگ» یکی از گرایش‌های پراهمیت در فلسفه معاصر است. طرح نسبت «ادراکات اعتباری علامه طباطبایی» با «فلسفه فرهنگ» مستلزم آشنایی با دو سوی بحث است. موضوع ادراکات اعتباری نزد اهل فلسفه در ایران شناخته شده است؛ اما فلسفه فرهنگ و سابقه و چیستی آن، هنوز محل توجه قرار نگرفته و اثر درخوری درباره آن منتشر نشده است. شاید، معقول‌تر آن بود که ابتدا دفتری درباره فلسفه فرهنگ فراهم می‌آمد و سپس دفتر پیش روی گشوده می‌شد. آنچه بر نگارنده این سطور گذشت نیز همان مسیر معقول بود. نگارنده که از چند سال پیش کار پژوهش در فلسفه فرهنگ را آغاز کرده بود، ضمن خواندن مراجع بحث، نظری هم به فرهنگ خویش داشت و همواره با این پرسش روبه‌رو بود که آیا زمینه طرح تأملات فلسفی درباره فرهنگ، در فرهنگ اسلامی ایرانی وجود نداشته است. پاسخ اجمالی، از ابتدا، مثبت بود و هرچه این پرسش و تأمل تفصیل یافت، قامت حضرت علامه طباطبایی و به‌خصوص بحث «ادراکات اعتباری» ایشان بیشتر به چشم آمد. مطالب این دفتر پیوندی اساسی با دفتر دیگری دارد که اگر حضرت حق مدد فرماید، در آینده با عنوان «فلسفه فرهنگ» منتشر خواهد شد. اما اینکه چرا این دفتر پیش افتاد، آن را به حساب دست تقدیر و تدبیری می‌گذارم که شاید حکمت آن هنوز پنهان باشد. درج نام علامه مهرکیش را بر این دفتر به فال نیک می‌گیرم و اثرپذیری از آن روح لطیف را برای هر که با این دفتر نسبتی یافت، از حضرت حق سبحان خواهانم.

درآمد

برای آغازشدن تأملات فلسفی درباره فرهنگ، باید زمینه‌هایی فراهم می‌شد. در تاریخ تفکر فلسفی غرب نیز اندیشیدن درباره فرهنگ مترتب بر زمینه‌هایی است. بدون تحولات بزرگ قرن هجدهم و به‌خصوص توجه فلسفی به تاریخ و تصور تقابل طبیعت و فرهنگ، تأمل فلسفی درباره فرهنگ که بعدها «فلسفه فرهنگ» نامیده شد، پدید نمی‌آمد. حتی در دوره مدرن، با صرف زاد و توشه‌ای که فیلسوفان راسیونالیست و آمپریست فراهم کرده بودند، بحث فلسفی درباره فرهنگ آغاز نمی‌شد. در ایران هم تفکر فلسفی درباره فرهنگ، تنها با مؤونه فیلسوفان کلاسیک اسلامی و ترجمه آثار فیلسوفانی همچون دکارت و هیوم پا نمی‌گرفت. متفکر باید در فضای زندگی مدرن، از قرن هجدهم به بعد، زندگی می‌کرده است تا زمینه پرداختن به این‌گونه پرسش‌ها را بیابد. در عوالم ماقبل مدرن و پیش از آشنایی ملموس فرهنگ‌ها با تکثرات فکری فرهنگی، متفکران هر فرهنگ به اقتضای سنت‌های فکری و فلسفی درون فرهنگشان، مبانی و اصولی طرح می‌کردند که جهت‌گیری غالب در آن‌ها، اثبات دریافت‌ها و اعتقادات قوم بود؛ اما پس از آشنایی عمیق متفکران هر قوم با اندیشه‌های دیگران، لااقل این اندیشه به ذهن آن‌ها خطور می‌کرد که بکوشند اسباب تکثر فکرها و فرهنگ‌ها را دریابند. برخی به این دریافت می‌رسیدند که انسان را موجودی ببینند که می‌تواند خود و جهان را به صورت‌های متفاوتی درک کند و رفتارهای مختلفی از خود بروز دهد. متفکری که فقط در پی فهم ادراکات حقیقی است، تنها براساس داشته‌های فرهنگی خویش می‌اندیشد و هنوز تکثر برایش اهمیت پیدا نکرده است. در عالم ما ایرانیان، به نظر می‌رسد علامه طباطبایی شخصیتی بی‌نظیر باشد که ضمن تضرع بر فلسفه اسلامی، با مسئله تکثر ادراکات و تکثر فرهنگ‌ها به‌طور جدی روبه‌رو شده و کوشیده است طرحی فلسفی برای پاسخ‌دادن به آن عرضه کند. بحث ادراکات اعتباری حاصل تفکر ایشان در همین جهت است.

رمز مخالفت بسیاری از معاصران علامه با این بحث، نرسیدن آنان به پایه تفکری بوده است که ایشان در آن واقع شده بود. علامه طباطبایی به دریافتی کاملاً متفاوت از عالم و آدم و به تبع آن، ادراکات، رسیده بود. او با توجه به سنتی فلسفی که در آن رشد کرده بود، برای بیان دریافت خود کوشیده است. کار مرحوم علامه در این بحث، بهترین کوشش برای گستردن مبانی فلسفه اسلامی به‌منظور فهم عالم مدرن و معاصر و درک ژرف‌تر مناسبات حاکم بر آن است. حتی قرارگرفتن بحث در ادامه بحث پیدایش کثرت در ادراکات، حکایت مواجهه آن متفکر با یکی از مسائل اصلی دوره مدرن، یعنی درک اسباب تکثر در فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای غالب در تاریخ و عالم انسانی است.

در این نوشته کوشیده‌ایم، پس از طرح کوتاه امهات تأملات فلسفی متفکران دوره مدرن درباره فرهنگ، مطالب علامه طباطبایی درباره اعتباریات را بازخوانی کنیم. برداشت کلی و فی‌الجمله نگارنده آن است که بازخوانی نظریه علامه درباره اعتباریات، مبانی درخور برای ورود به مباحث فلسفه فرهنگ است. به بیان دیگر، نظریه اعتباریات علامه را می‌توان برای پاسخ به پرسش‌های به‌اندیشه‌درآمده در حوزه فلسفه فرهنگ، مبنای محکمی دانست.

علامه طباطبایی فیلسوف بی‌نظیر برخاسته از سنت‌های فکری ایرانی اسلامی در زمان ماست. علت بی‌نظیری علامه، تنها اشراف و

احاطه وی به این سنت‌ها و قدرت نفوذش در مسائل و موضوعات نبود؛ منش والای او در رویارویی با مسائل جدید تفکر، در تاریخ تفکر معاصر در ایران نظیری ندارد. داریوش شایگان می‌نویسد: «آن خصلتی از علامه که مرا سخت تکان می‌داد، گشادگی و آمادگی او برای پذیرش بود. ایشان به همه حرفی گوش می‌داد، کنجکاو بود و نسبت به جهان‌های دیگر معرفت، حساسیت و هوشیاری بسیار داشت». آنچه باعث توجه جدی راقم این سطور به علامه طباطبایی شده است، به همین خصوصیت بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد گشودگی علامه برای فهمیدن و شنیدن اندیشه‌ها و سخنان برخاسته از جهان‌های دیگر، باعث طرح نظریه ادراکات اعتباری شده است. علامه یگانه متفکر معاصر ایران است که با وجود برخاستن از جهان فکر اسلامی، سعی در تجربه جهان‌های دیگر هم داشته است. به نظر می‌رسد در پی چنین تجاربی درصدد طرح مبانی دیگری برای فلسفه بود، تا تنوع و تکرار پدیدآمده در عالم انسانی را توضیح دهد.

نظریه ادراکات اعتباری نشان‌دهنده دغدغه‌های پنهان آن متفکر است. به گمان صاحب این قلم، قلمرو اعتباریات را می‌توان با تسامح، قلمرو فرهنگ، به معنای مدرن و معاصر آن دانست. پرسش ناگفته‌ای که علامه را به سمت طرح امور اعتباری کشاند، بسیار شبیه پرسش‌های متفکرانی مانند ویکو، هردر، کاسیرر و حتی فروید و یونگ است. تفاوت علامه با این متفکران در فضا و بستر تاریخی و فرهنگی آن‌هاست. متأسفانه، مستندات مستقیم این برداشت بسیار اندک است؛ ولی همین اندک برای آغاز چنین بحث‌هایی کفایت می‌کند. شایگان در همان گزارش اضافه می‌کند: «من در آن زمان نوشته‌های یونگ را زیاد می‌خواندم و در کتاب انسان و جست‌وجوی روان یونگ غرق بودم. استاد علاقه‌مند بود بداند کتاب درباره چیست.

من در دو کلام مطلب را خلاصه نموده و گفتم، اصل مطلب آن است که در حالی که قرون وسطا روح جوهری و جهانی را موعظه می‌کرد، قرن نوزدهم توانست روان‌شناسی فارغ از روح را به وجود آورد...» استاد از این نکته چنان به وجود آمد که خواست این کتاب حتماً به فارسی ترجمه شود و بعد گفت: 'باید جهان را شناخت. ما نمی‌توانیم خود را در برج‌های عاجمان محصور و منزوی کنیم'.

علامه طباطبایی تشنه آشنایی با عوالم متفاوت بود. گستره عالم انسانی را بسیار وسیع‌تر و متنوع‌تر از هم‌کسوتان خود می‌دید که در سنت‌های فلسفی و عرفانی و کلامی رشد کرده بودند. به همین علت، باید بر مبنای سنتی که بدان تعلق خاطر داشت، زمینه گشوده شدن و درک دیگران را فراهم می‌کرد. او بیش از معاصران خود، به التزام به هویت خویش و در عین حال خروج از اعتقادات و التزامات خود قادر بود و می‌توانست با دیگران همراهی کند تا به مناطق فکری مشترک برسند. مهم‌ترین موضوع برای گفت‌وگوی متفکران برخاسته از فرهنگ‌ها و سنت‌های مختلف، یافتن مناطق مشترک است. توان علامه برای همراهی و گفت‌وگو در مناطق مشترک فکر بی‌نظیر است. مرحوم مطهری معتقد بود عیب کار علامه در نظریه اعتباریات آن است که این نظریه در آثار قدما سابقه ندارد؛ اما به عکس، این را می‌توان مزیت کار علامه طباطبایی دانست. مطهری دغدغه جاودانگی اخلاق و دین دارد که البته دغدغه کلامی مهمی است؛ اما علامه دغدغه تنوع و تکرار اخلاق و دین و فرهنگ دارد که دغدغه فلسفی زمان ما است. اگر این دغدغه پاسخی بیابد، دغدغه جاودانگی هم صورت دیگری پیدا می‌کند. می‌توان دغدغه جاودانگی را بعد از تأیید تکرار، به صورت دیگری پاسخ داد.

اهمیت نظریه علامه، بردن بحث به منطقه‌ای است که کف تفکر است و با این مبنا، می‌توان با هر متفکر دگراندیشی وارد گفت‌وگو شد. آغاز بحث از اعتباریات، در واقع آغاز کردن از کف انسان، یعنی از جایی است که از صرف وجود طبیعی فرامی‌رود و فرهنگ آغاز می‌شود. با توجه به زمینه‌های پیدایش تفکر فلسفی درباره فرهنگ که از قرن هجدهم آغاز شد، می‌توان بحث اعتباریات علامه را آغازی برای ورود به فلسفه فرهنگ دانست. برای آغاز چنین بحثی، باید پذیرفت که قلمرو اعتباریات همان قلمرو فرهنگ است. اگر این اصل پذیرفته شود، راه برای اجزای بحث هموار می‌شود. به همین جهت مهم‌ترین بخش بحث، توجه به قلمروی است که در سنت تفکر اروپایی، «فرهنگ» نامیده می‌شود.

کتاب «ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره) و فلسفه فرهنگ» تألیف دکتر علی‌اصغر مصلح که در 144 صفحه و در قطع رقعی طراحی شده است، توسط انتشارات پگاه روزگار نو در نیمه دوم اسفندماه، روانه بازار نشر خواهد شد.